



است. حتی انقدر دیتیل و جزئی شده است که حتی رییس موقوفات فلان منطقه هم دارند حضرات. مثلا دیگر اینطور جزئی آن سازمانشان پهن است.

اینجاست که حضرت امام عسکری علیه السلام به عنوان امام آخر حاضر ۳ تا کمپین برگزار میکنند در اوج قدرت. یک کمپین انگشتر. کمپین انگشتر مربوط به این است که چون شیعه انگشتر نمیکرد در دست راست. به دلیل اینکه در جریان حکمیت در دست چپ میکردند، یعنی ابوموسی اشعری از دست راستش درآورد و در دست چپ کرد. شیعه میکرد دست راستش، کمپین اول کمپین انگشتر، هر کسی شیعه است از این به بعد انگشترش را در دست راست بکند. یعنی داریم دیگه اظهار بکنیم دیگر. تو نقطه قدرتی قرار گرفتیم که اظهار بکنیم.

دو جهر به بسم الله بکنند در نماز یعنی بسم الله الرحمن الرحیمش را بلند بگویند. این هم علامت شیعه بو. بلند بلند بسم الله الرحمن الرحیمش را بگویند. این هم یعنی اینکه همه همدیگر را خبردار دارند میکنند که ما دیگر شیعه ایم.

سه زیارت اربعین این جزء علائم شیعه است. زیارت اربعین که اربعین گیری فقط و فقط مخصوص حضرت ابی عبدالله الحسین است و مخصوص هیچ امام دیگری نیست، ماهم اگر برای امواتمان این کار را میکنیم من در آوردی است. نمیگوم لزوما کار بدی است ولی همچنین چیزی توصیه نداریم اصلا ما راجع به چله گیری. مثلا چله کسی را بگیریم. نه اربعین گیری به تعبیر حضرت آقا گزارش دهی حضرت زینب است برای امام حسین که تو این چهل روز ما چکار کردیم چه بلاهایی سرمان آوردند و چکار کردیم. منتهای مراتب این اصلا پروژه امام عسکری پروژه اظهار دین حق است و همین پروژه خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم همین پروژه است. برای همین است آیه سوره صف که هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ این کاملا تطبیق به حضرت شده است. آنجایی که نقطه اظهار دین حق است در بالاترین طرازش.

زیارت اربعین که حالا حالاها مانده بترکد الان مانده است. حالا انشاءالله این اسرائیل که تا دو سه سال دیگر حالا ارزون حساب کردم مشتری بشوید. دو سه سال دیگر نابود میشود. این هم تمام شواهد هم از این گفتگو میکنند. چون که با آخر کارش است دارد بُخْرِيُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ. دارد خودش خودش را نابود میکند. ما با یک درگیری مختصر طبق بیانات قرآن با یک درگیری خیلی مختصر اسرائیل نابود خواهد شد. انشاءالله به فضل الهی در همین انقرب و حالا اون موقع است که جریان اربعین خیلی جریان مشخصتری میشود و تبدیل هم میشود به جنگ آخر که جنگ برای فتح قبله است. فتح قبله خودمان است به عبارتی. حالا این بحث هایش بماند انشاءالله شما جوانها که هیچ ما پیرمرد ها هم امیدواریم که در حقیقت ببینیم.

مسئله زیارت اربعین زیارتی است به سمت امام یاتوک است. تعبیر اربعین یک تعبیر حسینی مهدوی است نه حسینی حسینی. حرکتی است سمت امام حی، معادل حج است به عبارتی. یک جوری معادل سازی حج است آمدند یک سیمولاتور گذاشتند. این تعبیر سیمولاتور که شاید تعجب بکنید این کلا هم همینجوری بوده است. من اگر بخوام باز دوباره یک عقب گرد بکنم و یک چیزی را به شما نشان بدهم از این کارهای سیمولاتوری خدا می کند. شما فرض بفرمایید که حضرت ابراهیم یک بچه اش را میگذارد در قبله بیت المقدس یک بچه اش را میگذارد در قبله کعبه. این دوتا بچه میشوند سرآمد دو تا قوم برگزیده یک قوم برگزیده یهود و یک قوم برگزیده اسلام. این میشود سیمولاتور این، دست من را می بینید بینندگان عزیز. این یکی که جریان یهود است و قوم بنی اسرائیل است و قوم برگزیده بنی اسرائیل است سر اینکه این مقدار ما آیات بنی اسرائیل در قرآن است بخاطر این است که تمام این سنن روی این سیمولاتور پیاده شده است. سیمولاتور در حقیقت سطح D هم هست به قول خلبانها. یعنی طراز D سیمولاتور است این طراز D سیمولاتور یعنی اگر تو این شبیه ساز برود بدون هیچ چیزی می تواند کیفیت را بردارد و توی هواپیمای اصلی بنشیند احتیاج به مربی دیگر ندارد کسی که باهاش پرواز کند. یعنی این بالاترین سطح یک شبیه ساز است. هر سنتی خدا میخواست پیاده کند اینجا پیاده کرده و این قوم برگزیده شده شبیه ساز این قوم برگزیده و نه اینکه بگویم این نسخه فیک است اینجا این موقع این نسخه اصلی قرار است لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.

الان هم برای بحث حج چون که حج افتاد دست ناکسان برای بحث حج و اینکه چجوری حرکت به سمت امام انجام می شود چجوری است که همه از هرچه دارند می گذرنند، از هرچه اعتبار خودشان است می گذرنند. یعنی شما می بینید یک نفر آنجا سینی خرما گذاشته بالای سرش بعد می بینید دکترای فیزیک هسته ای دارد. هیچ هم نه او بدش می آید نه کس دیگر یا او که دارد پای تو را می مالد ممکنه مثلا یک کاره ای معاون وزیر باشد مثلا. اونجا تو راه امام این چیزها دیگر همه اش کشک است این حرفها.

و بعد هم می بینید اینهمه زن در میان اینهمه مرد به امنیت به سمت امام حرکت می کنند. زنها هم بیرونند مردها هم بیرونند خیلی جلوه عجیبی است که اینهمه زن در این مسیر حرکت می کنند. کسی نه نگاه چپ به اینها می کند نه در حقیقت اینها مزاحم اینها هستند نه اینها امنیتشان خراب شده است و همه این چیزها. یک دور زندگی مهدوی اینجا دارد تمرین میشود و دیده می شود. چه بکنیم؟ شما ببینید این را همیشه باید در ذهن هم پرورانیم و به این و آن بگوییم آقا ما داریم یک زیارت حسینی مهدوی میرویم نه زیارت حسینی این بعد مهدویت

خیلی قوی دارد که باید به سمت امام حی ما حرکت بکنیم. حالا از پرچم ها از پلاکاردها سریند ها از همه اینها میشود هم استفاده کرد و خیلی از کسانی که تربیون در اختیارشان است این را بگویند که ما یک همچین سفری را داریم می‌رویم. آن موقع وقتی ذهنش معطوف به حضرت باشد اتفاقات بهتری می‌افتد. یعنی این کاروان ذهنش نه تعدادی آدم که بی ارتباط به همدیگر داره حرکت می‌کنند نه، کاروانی است که دارد حرکت می‌کند. فرق نگاه کاروانی با نگاه تکی همین است فرق که به قول ما آخوند فرق بین عام استقراری است با عام مجموعی. در حقیقت وقتی شما یک کوه معمولی بروید آنجا در کنار همدیگر ده دوازده نفر دارند حرکت می‌کنند هر کسی دارد کار خودش را میکند حالا باهم هم صحبت میکنند ولی هر کسی دارد پیاده‌روی خودش را می‌کند. ولی اگر به کوه سنگین بروید میشود نگاه کاروانی. چون باید به هم کمک بکنند یعنی اینجوری است یعنی اگر فوتبال بخواهند بازی بکنند میشود نگاه کاروانی. نگاه تیمی. میشود عام مجموعی این کاروان باید خودش را به امام برساند نه نفر. اینها هم بحث زیاد است من اگر بخواهم بگویم وَأَعْتَصُمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرُّوْا یعنی یک اعتصام جمعی. نه همه تان بروید ریسمان الهی را چنگ بزنید. نخیر اعتصامتان باید جمعی باشد. نه همه تان تک به تک در کنار هم بروید به ریسمان الهی چنگ بزنید مثل یک گونی برنج، یک گونی برنج همه برنج ها در کنارهم قرار گرفتند ولی هیچ ارتباطی با همدیگر ندارند. این را کافییست گونی را پاره بکنید میفهمید همه تان که اینها کنار هم هستند. ولی هیچ ارتباطی با هم ندارند نگاه کاروانی نیست. حالا در سوره نور انشاءالله یک جایی این بحث را باید باز بکنیم همان جایی که اخوت را تا سطحی تعریف می‌کند که بروید از یخچال خونه های همدیگر بخورید بی اجازه بی اجازه. یعنی نه اینکه اجازه بگیرید. فقط زیاد نخورید مثلا ولی اگر کلید یک خانه ای دست من است پس معلوم است ما با هم نداریم. اگر با هم نداریم من می‌توانم از من گرسنه ام تو سیری نمیشود که. معنی ندارد که یکی گرسنه باشد یکی سیر باشد آنجا ان نگاه های قرآن به لحاظ تمدنی یک خورده باید بازش کنیم. خیلی هم دور از ذهن ما قرار گرفته خیلی دوریم. طرف می‌آید به امام صادق می‌گوید ما در محل خودمان خیلی با هم رفیق هستیم. حضرت می‌گویند انقدر رفیق هستید که بی اجازه از توی جیب همدیگر مایحتاج خودتان را بردارید؟ میگوید نه آقا دیگر ما یک چیزی گفتیم مثلا می‌گویند پس شماها رفیق نیستید. هنوز نظام برادری در شما شکل نگرفته است. از تو جیب همدیگر بی اجازه مایحتاج خودتان را بردارید. میگوید نه آقا چه می‌گویید اصلا.

بعد این نگاهها تو قرآن خیلی اشراب شده است اتفاقا و ما هم خیلی فاصله داریم با این فضاها. آنجاهایی که امتحان کردیم جمعیت مومنین و جمع مومنانه میبینید که یک اتفاق گاهی اوقات رشحاتش و نسیم هایش به آدم میخورد که نه میشود همه پول‌هایشان را بریزند وسط و با هم بخوریم. همه پول‌هایشان را بریزند وسط و با هم بخوریم با هم میخوریم با هم میخوریم یا با هم میخوریم با هم نمیخوریم اینجوری است. چقدرهم خدا توفیق داد و چقدر هم لذت بخش. حالا بحث این است که ما به سمت یک اعتصام کاروانی به سمت حضرت مهدی. این را ترسیم کنید هی برای خودتان. هی فکر لطیف بفرمایید. اینکه می‌گویند هی فکر لطیف منظور همین چیزهاست. یعنی هی احتساب بکنید که ما داریم با همدیگر یعنی مثل یک خانواده با همدیگر به سمت حضرت امام حی حرکت می‌کنیم. این اگر اتفاق بیفتد تقاضا و اضطراب مهدوی هم می‌رود بالا. هی همه می‌گویند به سمت امام حی حرکت کنیم امام حی کجایی کجاست امام حی. میبینید این اضطراب رفته رفته در عالم شکل می‌گیرد. به عبارتی می‌خواهم بگویم ارزان خرجش نکنید. اربعین را ارزان خرجش نکنید. مثل من بعضی وقتها می‌گویم قرآن خواندن و نفهمیدم خیلی بی ادبی است. بی ادبی به قرآن است اصلا. در این گروهها هم زده بودند اصلا. مثل این میماند که شما پای منبر امیرالمومنین بنشینید بعد بگویند من که گوش نمیدهم ولی النظر علی وجه علی عبادة. بالاخره نگاه به صورت امیرالمومنین عبادت است. خب خوب است عبادت است. ولی واقعا بی ادبی است که آدم پای منبر امیرالمومنین بنشینید و گوش ندهد.

این میشود که قرآن خواندن اینجوری بی ادبی است. اربعین رفتن اینجوری هم بفرمایید یک کمی بی ادبی به نظر می‌آید. آدم خلاصه فقط برای فلافل و اینها البته همانش هم خوب است مینویسند. همانش را هم مینویسند. ولی یک آقای تربتی بود می‌گویند بعضی از بزرگان می‌گویند خواستید بروید مشهد مثلا دیگر واقعا دیگر نیت زعفران نکنید. این آقای تربتی خانمش بهش گفته بود که می‌روی مشهد یک دیزی سنگی برای ما بیاور. بخر بیاور. رفته بود مشهد یک دیزی سنگی گرفته بود برده بود داده بود بعد بعدا مجدد رفته بود گفته بود نمیخواهم در نیتم یک دیزی سنگی هم اخلاص ایجاد بکنم.

حالا این میشود یک پیام نسبتا مختصری راجع به اربعین. گرچه راجع به همه فقراتش می‌شود توضیحات مفصلتری هم داد. فتلخص مما ذکرنا (۲۴ / ۵۰) اعتصام جمعی کاروانی به سمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چیزی است که به همه این حرکتها یک ضریب خیلی خیلی جدی خواهد داد. به کار اربعین. این اربعین را انشاءالله در واقعش هم به یک اربعین مهدوی تبدیل خواهد کرد.

ما روی بحثی که جلسه گذشته شد دوتا سوال از ما شد این دوتا سوال را مختصرا می‌گویم و جوابش را هم می‌گویم و می‌رویم سراغ بحثمان، آن دوتا سوال این بود که اگر واقعا چیزی به نام *فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّيْ حَكِيْمٌ* داریم، یک چیزی به تعبیر سوره مبارکه مثلا *حَدِيْدٍ مَا اَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِيْ كِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نُّزَالَهَا* داریم. یعنی بهش می‌گویند اصلاحش سبق کتابی است. یعنی به هرجهت فی لوح محفوظ همه چیز را داریم. کسی هم نمی‌تواند لوح محفوظ را بالا پایین کند. کما اینکه عجل هر کسی هم مقدر و معلوم است. کسی

عجلش را بالا پایین نمیتواند بکند إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ. اصلا کسی مرگ نابهنگام ندارد این برای ما نابهنگام است یعنی مرگش به هنگام است. یعنی کاملا در لوح محفوظ نوشته شده همین موقع هم به همین شیوه باید بمیرد. این هم که در آیات دارد که نفسی نمیداند بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ، به لحاظ اولی خودش است وگرنه وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ به این معنا نیست که هیچ کس نمی داند. اینها را باید در قرآن درست بخوانیم این به لحاظ اولی انسانی آدم نمیداند. وگرنه سیدالشهدا می دانستند امیرالمومنین می دانستند اصلا رفتن قاتل خودشان را بیدار کردند. اینها را گاهی اوقات گفتند نه ائمه علم غیب ندارند چونکه قرآن گفته وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ. کسی نمیداند کجا میمیرد. نه خیلی از شهدای ما خیلی اوقات خبر داشتند. مثلا می گفت آن تیره می میرد اینطرف آنطرف می گفت تیره ساخته نشده است هنوز. بعد گفته بود مثلا ساخته شده تیره بعد آمده تو خط منم فردا میخورم میمیرم یعنی شهید می شوم. اینها را دیگر شهدای ما هم می دانستند. یعنی در این حد که نبودند خیلی چیز پیچیده و عجیب غریبی هم نیست.

حالا آنهایی که می دانند چه خبر است چجوری است چه مدلی میشوند به من و شما ربط ندارد. ما که نمی دانیم چه خبر است. آن خودش یک بحثی است که مثلا وقتی که دارد دعا میکند چطور دعا کند. دعا نمیکند برای چه دعا نمیکند. تو حالات مختلف وضعیتش چطوری است. آن خود آن نفر میفهمد چکار بکند. به آن کاری نداشته باشید. آن کسی که به تعبیر لوح محفوظ یا عین ثابت میدانند او خودش میدانند چه می داند و چقدر باید چکار بکند. علمش کجا موجب تکلیف می شود کجا موجب تکلیف نمی شود. اینها مباحث مربوط به خودش است.

اما آن سوال این بود اگر یک چیزی است مقدر است معلوم است رزق مقسوم است اصلا و حرص حریصی رزق را نمیتواند بیاورد جلو. کما اینکه شما نمیتوانید از دست عزاییل فرار کنید، نمیتوانید از دست میکایل فرار کنید. فقط اینجوری نیست از دست عزاییل نمیتوانید فرار کرد که، از دست میکایل هم نمیشود فرار کرد. یعنی هرجایی که باشد (۵۳/۲۸) باید رزق را در حلقوم شما فرو کند. اینطوری نیست که ما مثلا بشه فرار کرد از رزق. همانطور که از مرگ نمیشود فرار کرد از رزق هم نمیشود فرار کرد. آن موقع نقش اختیار چه میشود این وسط، به ما نیامده. میدانید چرا؟ این عرض جدی است این عرضی که عرض میکنم جدی است. بسیاری از معارف قرآن همینطوری است دو طرفش را ما داریم جمعش به شدت فنی است من خودم جمع این را به کسانی که فلسفه عرفان خوانده اند پنج جلسه ای باید حرف بزنم تا متوجه بشود طرف چه میگویم و داریم چه میگویم. یعنی فلسفه عرفان اگر خوانده باشد جمعش پنج جلسه یک ساعتی وقت می گیرد.

حالا ببینید ما مواجه هستیم با چه؟ مواجه هستیم با دوتا آیه و دوتا دسته آیه ای که اینها قطعا و قهرا این دوتا درست است معنی واضحی هم دارد. مثلا فرض بفرمایید که یکی بحث سبق کتابی است که این را داریم یکی هم بحث اختیار است. خب اینهمه إِنْ هَدَيْتُهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا خب اینها چه است خب اینها اختیار است. جمعش چیست؟ نمی دانیم. جمعش را نمی دانیم چطوری است یعنی جمعش بسیار پیچیده میشود که بتوانید هم این را نگه دارید هم این را نگه دارید. عالمانه هم نگه دارید. نشه ۵۰ درصد سبق کتابی ۵۰ درصد مثلا اختیار. اینطوری نه. واقعا سخت است. این به این معنا نیست که نیست. نه آیات زیادی خدا میگوید توبه کنید استغفار کنید معلوم است که یک اختیاری است. اختیاری نبود این دستوره اصلا دستورات برای چه؟ معلوم است یک اختیاری است که دارند این چیزها را میگویند. نه فقط جمع این چیزها سخته الان شما فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* شَرًّا يَرَهُ \* درست است؟ درست است یا نه؟ توبه چه؟ درست است؟ تکفیر ذنوب و اینها، نَكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ اینها هم درست است دیگر؟ حالا بفرمایید جمعش کنید. جمعش کار ساده ای نیست.

این که عمل شما در حقیقت عمل چطوری می شود که مثلا لبه های عمل چطوری به هم می رسد و عمل که تمام می شود لبه هاش چه سَنِّ سُنَّتَهُ حَسَنَةً، سَنِّ سُنَّتَهُ سَيِّئَةً اینهایی که به من ارتباطی ندارد ولی یک ارتباط پیدا می کند اینها چطوری است؟ ملائکه چطوری دارند کار می کنند؟ ما ملک داریم بله. اینطوری داریم بله. آن را داریم بله. چطوری کار می کند؟ نمیدانم چطوری کار میکنند؟ ربط مادی به مجرد چگونه است ربط سابق به قدیم چطوری است؟ انقدر مباحث این مدلی ما داریم که نمی توانیم به لحاظ یعنی نه اینکه نمی توانیم اصلا. ببینید جمع نقیضین نیست که بگوییم ما نمی توانیم. نه یک جوری بحث فنی است راجع به عوالم بالاست. همانطوری که شما در هسته یک ذره شما می بینید یک فیزیکدان باید بگوید در این چه خبر است در ذره ها. یک ستاره شناس باید بگوید این کواکب و احوالات کواکب نه هر ننه قمری آسمان را نگاه میکند بگوید چی به چی است خب معلوم است آدمها نمی فهمند. همانطوری تهبش می گوید این قابلمه است وصل کن اینطرف پنج تا بیا این طرف میشود ستاره قطبی، دیگر اوج اطلاعات نجومی ما در همین حد است.

ولی می بینید کسانی که خیلی کار کردند روی همه اینها می بینید اطلاعاتی دارند و موشکافی هایی دارند و حتی هر چقدر هم حساب بکنند، من یک موقعی این که دارد وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى در قرآن این را با بچه های شریف کار می کردیم که رب شعرا، چرا می گفتند وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى بعدش گفته است وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى اهلک فلان، این بخاطر یک چیزی بوده که در نجوم باستان به نام اینکه شعرا، ستاره شعرا اگر به زمین نزدیک بشود، هرچقدر نزدیک بشود عذاب کمتر میشود. ستاره شعرا بیاید بالا در حقیقت عذاب در آن زاویه دیدش عذاب کم می شود. بعد گفتیم آنها حساب کردند ستاره شعرا در سال مثلا ۶۲۱ به نزدیکترین حالتش رسیده بود. یعنی موقع بعثت پیغمبر. این یک

چیزی است که عمرا من و شما نمی‌توانیم بفهمیم همین طوری. اینها حساب کردند سال ۶۲۱ میلادی بوده که شعرا آمد در نزدیکترین افق قرار گرفت که در حقیقت عذاب در حقیقت به این ستاره شعرا ارتباط دارد. چطوری؟ نمیدانم مثلا که چطوری ستاره شعرا به عذاب و اهلاک عمومی به هم ارتباط دارد. مثلا شما چطوری قمر بیفتد در عقرب مثلا میگفتند سفر نکنید، ازدواج نکنید خب چه ارتباطی وجود دارد نمیدانم چه ارتباطی دارد. خیلی از این چیزها هست که ما نمی‌دانیم چه است ارتباطاتش چه مدلی است خب این هم بگذارید جزء همان لیست نمیدانم. اینکه این را با این چطوری جمع می‌کنیم نمیدانیم.

۲. یک بنده خدایی سوال کرد که شما گفتید ولایت در قرآن نیست. این یک بحث مهم است. من این را نگفتم قهرا این حرف اشتباهی است اگر هم گفته باشم که نگفتم. بحث من دقیقا این است که ولایت اگر مهمترین مسأله است که هست، نمیشود در قرآن نباشد. منتها با یک تقریر خاصی خودش هست با یک بیان خاص خودش در قرآن آمده است. نه با آن بیانی که معمولا ولایت و معصوم و امام و همه این چیزها را می‌بریم در آن قله قرار میدهیم میگوییم امام یعنی امام معصوم. می‌بریم آنجا قرار میدهیم و چون فشار روایت هم هست بلد هم نیستیم بعد رسیدیم به عبارت اولی الامر سریع میگوییم اولی الامر یعنی ائمه. در صورتیکه نگاه و زاویه دید قرآنی اش اینطوری نیست. امام، امام معصوم نیست. امام معصوم سر قله بحث امامت است. وگرنه امام خمینی هم امام است. تقریر قرآنی آن فرق دارد با تقریر روایتی، این حرف مهمی است. و ما مهمه که قرآنی بحث ولایت را بفهمیم. آن موقع چون بحثش آنطوری است که میگویند امام یعنی امام معصوم، چون اینطوری گفته میشود و پدیده امامت و ولایت به تقریر قرآنی آن فهم نمیشود، تا ما یک آیه قرآن می‌خوانیم مجبور میشویم سریع ببریم تو روایت. نکته اینجاست، آن نکته باریکتر از ما اینجاست که تا ما آیه قرآن را می‌خوانیم می‌بینیم که این در نمی‌آید این از خود آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ أَمِيرًا لِمُؤْمِنِينَ إِنجَا یعنی میریم شأن نزول میگیریم. در صورتیکه این دارد می‌گوید انما ولیکم ولی اینطوری است خصوصیت ولی است خب شما نمی‌فهمید شما نمی‌فهمید آیه را نمی‌فهمید رسماً.

آیه ۳ سوره مائده را می‌چسبانی به آیه ۶۷ سوره مائده بعد میارویم از آن نمیتوانیم توضیح دهیم می‌چسبانیم به غدیر من میگوییم این مربوط به غدیر نیست ما نمی‌فهمیم چه خبر است آیه. از بالا و پایین آیه دارد بحث اقامه دین میکند. نمی‌توانیم آن را درک بکنیم سریع شیفیت میکنیم در بحث روایتها. حالا که قرآن آمد خودش را بفهمیم. این نکته مهمی است که امامت و ولایت به تقریر قرآنی نمیشود وجود نداشته باشد در قرآن بحث به این مهمی. منتها تقریرش یک چیز دیگر است، فرق دارد. جهت این هم که فرق دارد یک بحث مفصل که بگذارید موقع دیگر سر خرمن آنجا وعده ما با شما آن بحث آنجا. چرا اینطوری می‌شود؟ این بحثی هم که ما گفتیم هیچ ربطی به قبض و بسط تئوری شریعت آن آقای سیریش ندارد، هیچ ارتباطی با آن بحث ندارد. این در حقیقت یک بحث در حقیقت متینی است که آن بنده خدا هم به اشتباه وارد این بحث شده است. این هم دوتا سوال یک صلوات بفرستید...

خب صفحه ۳۵۰ را بیاورید لطف کنید قرآن دستتان باشد و به قرآن نگاه کنید و همین آیاتی را هم که بلدید هم نگاه بکنید. بالاخره قرآن است دیگر نظر در قرآن خودش یک عبادتی است. گفتیم ما به آن معنا نه تفسیر می‌خواهیم بگوییم نه تدبر می‌خواهیم بگوییم. یک جاهایی که به نظرمان می‌آید که یک مقداری تمرکز کنیم، تمرکز بکنیم و یک جاهایی اش هم ممکنه یک مقدار سریعتر از آن رد بشویم. آیه ۲ که آیه شاید هیچ سوره ای شاید که قهرا اینطوری هیچ سوره ای اینطوری شلاق کلا شروع نمی‌شود. من ۴-۵ تا مطلب است که باید ذیل این آیه خدمتون عرض بکنم آیه ترجمه اش مشخص است.

الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ

زانیه و زانی شلاق بزنید هر کدامشان را صد ضربه شلاق. حالا این تفصیلش چطوری است چطوری شلاق بزنند تفصیلش در قفه است در فقه است دیگر روایات وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ بِهَذَا كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِيرِ اگر ایمان به خدا و روز جزا دارید این کار را نکنید. دیگر من خودم، من خدا ته رأفت هستم لطف کنید اینجا در صورتیکه اثبات شد و همه موارد بعدی وَلَيَسْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ عذاب این دو نفر را هم باید طایفه ای از مومنین، مومنین نه طایفه ای از ناس، طایفه ای از مومنین بیابند این عذاب این دوتا را ببینید تا بحث رسانه ایش مطرح بشود آن هم یک بحث است که حالا مطرح عرض خواهم کرد. این جلوه رسانه ای قضیه است. به عبارتی وقتیکه قرآن همین سوره نور بالا پایین بشود و یک مقداری بیشتر بفهمیم معلوم میشود که یک کنترل خاصی دارد از این زاویه، موارد بسیار اندک ولی بعد رسانه ایش مطرح بشود آن هم یک بحث است. چون که زنا چیزی نیست که خیلی راحت ثابت بشود ولی بعد رسانه ایش در صورت اثبات یک بعد رسانه ای جدی است. این را در مورد سرقت مثلا نگفته اند در مورد هیچ حدی از حدود الهی نگفته اند اینی که وَلَيَسْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ این را برخی از مفسرین خواستند این را توسعه بدهند به بقیه اجرای حدود و این حرف حرف درستی اگر بود خب می‌گفتند. این چیزی اینجا که گفته وَلَيَسْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ یک بعد رسانه ای خاصی است برای این داستان برای این قصه. نه برای سرقت نه برای حد شرابخواری نه برای هیچ چیز دیگری.

نکته اول یک نکته ای است که من هشتک گزار می‌کنم بهش نمی‌پردازم چونکه وقت بحث ما در آن نیست. هشتک این است آنچه که در قرآن آمده با آنچه که در قرآن نیامده ولو اینکه در فقه ما آمده فرق دارد. این حرف مهمی است. این حرف را همه هم قبول ندارند ولی دارم عرض می‌کنم فعلا در حد هشتک بگذارید باشد این. ببینید موارد زکات در قرآن نیامده مصارفش در قرآن آمده است. این مهم است وقتی مواردش نیامده ولی مصارفش آمده کلا چیزی که در قرآن قرار بگیرد قابل دست زدن نیست دیگر. این یک اصلی است این را بگذارید آن هشتک را برای یک موقعی. به هیچ وجه قابل دست زدن نیست قابل تبدیل کردن نیست. شما ممکنه بعضی از حدود تعزیرات را بشه تبدیل کرد این را نمی‌شود تبدیل کرد. این یک بحث بسیار مهم است مربوط به فضای قرآن شناسی است. من الان آن بحث را باز بکنم دیگر غرق آن بحثیم دیگر. فضای قرآن و بحث قرآن یک جوری است که شما نمیتوانید مثلا شلاق را با جریمه نقدی تعویض بکنید یا مثلا این کار را نمی‌شود بکنیم یا بگوییم که مثلا شلاق را در زمان نزول قرآن اینطوری می‌زدند و شلاق می‌زدند الان شلاق یک چیزی است که یعنی قبلا به عبد و آمه و کنیز و حیوان شلاق می‌زدند به همه شلاق می‌زدند این همان حرفی است که آقای سرش می‌زند. این حرف خیلی حرف بی‌ربطی است اگر معلوم بشود بن قضیه، آن موقع به همه شلاق می‌زدند به عبد و آمه شون هم شلاق می‌زدند و شلاق در قرآن آمده و آن موقع الان دیگر نباید شلاق زد. الان مثلا آبروی طرف بالا پایین می‌شود شلاق بخورد. درد آبروی اش بیشتر از درد فیزیکی اش است. این اگر حرفی باشد که در احکام دیگری از ما قابل تطبیق باشد در قرآن ابا قابل تطبیق نیست. یعنی آن چیزی که در قرآن آمده گفته اینقدر، صد ضربه شلاق نه ۱۰۱ نه ۹۹ هر بحث دیگری هم ما داریم در بحث های تناسب جرم و مجازات همه همه ی این بحث ها سر جای خودش درست است در قرآن ثابت است. قرآن جزء ثوابت محسوب می‌شود. شما قرآن را نمیتوانید عوض بکنید. باید شلاقش شلاق باشد، آن هم این باشد. حالا عزیز دلان گفته مثلا چند همسری هم در قرآن آمده است. چند همسری تجویز شده ترویج نشده است. این را داشته باشید این بحث ما را به باد ندهید یک بار دیگر. این بحث تجویز شده و جائز شده و این حرف هم درست است. من سرش به جد می‌ایستم و دفاع می‌کنم از این حکم قرآن چه آن آیه چه آیه ۲۴ سوره نساء که آیه مربوط به ازدواج موقت است. فقط کافی است شما بدانید چهار میلیون و نیم مجرد قطعی ما داریم در کشور و آن موقع شما بفرمایید که پیشنهادتان چه است؟ برای حل این ماجرا خود خدا آن موقع یک سری پیشنهاداتی داده است حالا به مرور عرض خواهیم کرد. نه من چند همسر دارم نه صبیغه کردم تا حالا. خب بهیوی هی همه اینجوری این خودش میخواهد لَيْفَجُرْ أَمَامَهُ جلوی خوش را باز کند، اینطوری نیست.

این یک مطلب یک مطلب مهم قرآن جزء ثوابت است این چیزهایش را نمی‌شود دست زد. گرچه ممکن است در غیر این بشود در روایات دستکاری کرد با فهم ملاکات. آن هم یک بحث اجتهادی سنگین است، که آقا مثلاً فرض بفرمایید که گفتند احتکار در این شش چیز است. احتکار در این شش تا چیز است حالا الان شما در زمان کرونا ماسک هم جزء مسائل احتکاری است؟ بله گفتند در این شش تا چیز است و لبس الا ولی بنده محققانه به شما می‌گویم خیر، در آنجا یک ملاکاتی گفته شده معلوم است جزء مایحتاج باید باشد. اگر جزء مایحتاج باشد الان کسی احتکار ماسک بکند این احتکار نیست ولی در زمان کرونا اگر احتکار می‌کرد این احتکار است. ولو اینکه در روایت نیامده است. در روایات ما بدلیل اینکه تابعی از شرایط مکانی در آن زیاد است، خب ولی چون این تابع شرایط مکانی نیست اصلا مکانی زمانی نیست در این همین شلاق است همین شلاق هم باید زد نه ۱۰۱ نه ۹۹. این نکته اول، خیلی بایستیم سرش بحث خیلی چالشی و عمیقی دارد که ما با طلبه‌های درس خارجمان می‌نشینیم این بحث ها را می‌کنیم. دیگر یعنی واقعا باید بریم مثلاً زیر به خم همدیگر را بگیریم یعنی بحث ساده ای هم نیست این بحث.

نکته دوم *إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* علی‌رغم اینکه این نکته را خیلی خوب دقت بکنید، علی‌رغم اینکه به نظر می‌آید که نیست عبارت پر تکراری است عبارت مهم هم نیست مثلا ما فکر می‌کنیم چیزهایی که پر تکرار است دیدید راجع به انتهای آیات تقریباً همچین نظری داریم. مثلا *حَالَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* یا *وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* حالا مثلا حالا. این عبارت به همین پر تکراریش اتفاقاً به دلیل پر تکراریش بحث بسیار بسیار مهمی است که شما لبه درگیری ما با تمدن غرب است اصلا و هرکسی که امروزه اینطوری دارد فکر می‌کند بیان ذلک. یعنی چی چرا؟ ببینید در تمدن غرب بعد از رئسانس بخاطر تلقی خاصی که از دین و ایمان وجود داشت که این تلقی رگ و ریشه اش در تلقیات خیلی از ماها هست خیلی از متدینین این تلقی را دارند از دین و ایمان و این چیزها و آن این است یک مقوله روحی معنوی را می‌گویند دین در ارتباط با حق. خب لذا خدا را قبول دارند، این بحث های روحی معنوی را قبول دارند، عرفان زیاد دارند در این زمینه ها، اعتبار خیلی می‌دهند به این بحث ها شما اعتباری که اینها می‌دهند به این بحث ها حتی ما خیلی وقتها اعتبار اینطوری برایش قائل نمی‌شویم. شما الان شاخص بزرگش واتیکان، واتیکان میدانید که ما هم در ایتالیا دوتا سفیر داریم یک سفیر در رم داریم یک سفیر در واتیکان داریم. همه کشورها هم همینطوری هستند و اتفاقاً ایتالیا هم دوتا سفیر دارد در همه کشورها یکی ایتالیا دارد یکی واتیکان. با اینکه واتیکان یک مجموعه ای است در ایتالیا دیگر و بسیار هم مورد احترام است پاپ در حدی که پاپ اگر به یک جایی سفر بکند بالاترین مقام آن کشور باید در حقیقت به استقبال بیاید. لذا در صحبت هایش نمی‌دانم فیلم هایش را دیده اید یا نه که هر یکشنبه می‌آید دم آن میدان نزدیک واتیکان می‌آید آنجا سخنرانی می‌کند بسیار جمعیت جدی ای جمع می‌شود برای شنیدن صحبت‌های پاپ. خب اما همین آقای پاپ حق ندارد، حق ندارد یعنی حق ندارد در موردی از مواردی که پارلمان می‌خواهد نظر بدهد مثلا، هیچ بیانی نمی‌تواند بکند. مثلا فرض بفرمایید که بگوید سقط جنین

مثلا حتی در این حد بگوید حرام است ممنوع است. او حق ندارد پارلمان باید نظر بدهد که سقط جنین وضعیتش چگونه است. دیگر فضلا از اینکه با کدام کشور بجنگیم با کدام کشور نجنگیم صنایع دفاعیمان چقدر باشه صنایع نظامیمان چقدر است، نمیدانم سیاست خارجیمان مبنایش باید چطور باشد اصلا اصلا اینها که دیگر یا اقتصاد مان باید روی باشد یا نباشد. اینها که دیگر هیچ در یعنی اینها که اصلا اصلا حق ندارد درمورد این بحث حرفی بزند. یعنی نظام دین حق ندارد راجع به چیزی غیر از مقوله های فردی، نفسی، ارتباط های روحی معنوی و اینها حرف بزند. این لبه جدی درگیری ماست با تمدن غرب که حتی امروزه حتی مسیحیان کاتولیک مذهبی یعنی اینطوری نیست که این حرف این حرفی بوده که امام آورده گذاشته رو میز یک حرفی زده و بر مبنایش یک حکومتی تشکیل داده است که همین الانش برای مذهبی های کاتولیک قابل پذیرش نیست. منطقی قابل پذیرش نیستها. یعنی بحثش این است که یعنی چه دقیقاً که دین می آید در این عرصه ها دخالت می کند. ایمان به خدا اگر دارید می آید پایش را در این عرصه در همه این عرصه ها میگذارد. حالا این بحث را بگذارید یک جای دیگر با همدیگر بحث بکنیم که ما چرا یک جاهایی گند زدیم این را بگذارید دیگر هی نگویید حاج آقا فلان. آن را هم عرض خواهم کرد اتفاقاً بخاطر همان جایی است که آن جاها پای دین را بریدیم. اتفاقاً امروز به یکی از این شخصیت های به نام کشور می گفتم بله خب آن جاهایی که پای دین را بریدیم خب نتیجه هم نمی گیریم. خب شما یک ریا درست کردید بانک ربوی هر چه هم اسمش را کارمزد بگذارید، جعاله بگذارید، نمیدانم هرچه که شما مضاربه هر چه اسم بلد هستید ما هم بلد هستیم بگذارید رویش، این نجس پاک نمی شود. هر چقدر هم آب بریزی روی سگ که پاک نمی شود. خب اینجا گزینه نظامی خدا روی میز است میگوید فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. میگوید وَذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ یا بیا با من بجنگ. اینجا وقتی این کار را بکنیم معیشت ملت هم همینطوری می شود. یعنی نمی شود که ما هم برویم با خدا بجنگیم مثلا هم چه بکنیم از آن طرف هم نتیجه اقتصادی هم بگیریم. قطعاً هیچ موقع با این بانکها ما نتیجه اقتصادی نمی گیریم. شک نکنید اصلا شکی وجود ندارد. شما اقتصاد مقاومتی هرچقدر دستورات حضرت آقا است تولید فلان تولید خانگی هرچه از این مقوله مادامی که بانک این بانک است قطعاً هیچ نتیجه ای در معیشت گرفته نمی شود و روز به روز هم بدتر می شود و این نوعی که ما داریم اداره می کنیم که بانک مرکزی بیاید وام بدهد مثلا که شرکت دولتی، که شرکت دولتی بهره کار نکرده را بدهد، اصلاً به هیچ عقلی هم سازگار نیست.

بالاخره اینکه حضرت یوسف می گوید من را بگذار رییس بانک مرکزی برای همین می گوید. می گوید أَجْعَلَنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي خَفِيضٌ غَلِيمٌ می گوید من هم کارشناسم بلدم من را بگذار رییس بانک مرکزی. خب به فرعون آن موقع چون آن را که درست کنند خیلی از امور راه می افتد دیگر. حالا به این بحثش کار نداشته باشید که ما چرا گند زدیم برخی از جاها ولی حالا برآیندمان هم مثبت است ولی نقطه اصلی درگیری این است، که شما آن می گوید من اصلاً نمی فهمم تو چه می گویی که میخواهی دین را برداری بیاوری تا بحث مثلا زنا هم نظر بدهد؟ تا بحث سقط جنین هم نظر بدهد؟ سیاست خارجی هم نظر بدهد؟ بجنگیم نجنگیم هم نظر بدهد؟ در اقتصاد هم نظر می دهد، در قصاص هم نظر می دهد، در اینجا هم تا همه ی این لبه ها می آید مثلا یعنی چه مثلا؟

این همان نقطه ی اصلی درگیری ماست. اصلاً سکولاریزم میدانید که سکیولار به معنای ضد دین بودن نیست به معنای تفکیک است به معنای جدا سازی است کلمه انگلیسیش به این معناست به معنای تفکیک و جداسازی. یعنی اینی که نه اینکه من ضد دین هستم من ضد دین نیستم اما چه ربطی دارد دین به این؟ خب؟ مثل اینکه فرض بفرمایید من میخواهم یک مثلا چاهی را بکنم، بگویم بریم از توی روایات پیدا بکنیم خب چه ربطی دارد این به این خب؟ من میخواهم یک ساختمان چهار طبقه بسازم معادلاتش را از کجا گیر بیاورم از اینجا بگویم قال الصادق خب چه ربطی دارد اینها به همدیگر؟ این همان جایی است که خیلی وقتها در باطن من و شما هم متاسفانه هست. در باطن بسیاری از متدینین هم هست می گویند آقا دین آن موقع خوب نبود آخوندها آن موقع خوب نبودند که مثلا کاری به این کارها نداشتند توصیه های اخلاقی می کردند فلان؟ بخورد توی سر ما آخوندها که قرآن را بگذاریم کنار بیایم روی نقطه عزت اینطوری بنشینیم. اصلاً نمیخواهم روی این نقطه بنشینیم. روی نقطه ای که پیغمبر و قرآن گفته می نشینیم. اینجاست که این زاویه *إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ\* إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ*. بعد خدا چکار می کند این وسط؟ می آورد میگذارد در لبه های دقیقاً همین اموری که اموری است که شماها میگویید دین دخالت نکند اتفاقاً میگذارد روی همین لبه ها بحث را. حالا با همدیگر نگاه می کنیم یک دو سه مورد که میگوید اگر ایمان داری، اگر ایمان داری این است. یعنی ایمان شما را گره می زند به یک مطلبی که اصلاً روحی فردی فلان اینها نیست. ایمانت را گره می زند به یک پدیده کارکردی احتمالاً. در همین آیه ربایی که خواندم همین است در سوره مبارکه بقره وَذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا \* يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ أَلْصَدَقَاتِ. خب بعدش می گوید وَذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا \* إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ اگر مومنی باید این ریا را بگذارید کنار اگر نه که فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

در همین آیات بیاورید سوره مبارکه، میخواهم متوجهتون بکنم به اینی که این فضای *إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ\* إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* اینها را بیاورد تا لبه شریعت می گذارد. شریعت یعنی فقه و حقوق همان آنها. می گوید یعنی چه یعنی تا لبه شریعت دیگر یعنی چه؟ این یک بحثی است که باید هشتک سوم را برایش بگذارم. ببینید دارد که در سوره مبارکه نساء آن آیات معروف این سوره. آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء که میشود صفحه ۸۷. این بحثی که امروز دارم به شما می گویم خیلی بحث مهمی است. خواهش میکنم که با چهارتا گوش، گوش

بدهید این آیه ای که معروفه از آیه ۵۸ شروع می‌شود می‌آید می‌رسد به بحث ولایت و اطاعت از اولی الامر یَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَاصْلًا يَكُ مِنْكُمْ أَصْلًا يَكُ مِنْكُمْ أَصْلًا يَكُ مِنْكُمْ أَصْلًا بگرد. اصلاً یکی از کارهای حاکمیت همین است که دفع تنازع، ببیند تنازع در حقیقت نقطه اصلی حاکمیت است. یعنی آن جایکه حاکمیت بخواد شکل بگیرد. اصلاً یکی از کارهای حاکمیت همین است که دفع تنازع بکند. فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ بَرُوا سِرَاعَ دِينِ بَرُوا سِرَاعَ هَمِينَ چیزی که من به شما گفتم أَطِيعُوا فُلَانًا و اینها چقدر در قرآن دیدید أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلَاةَ طَاعُونَ یعنی چه طاعوت یعنی دقیقاً همان نظام حاکمیت آمریکاییش نظام حاکمیت غیر الهیست. میگوید آن را بگذار کنار بیا اینطرف. اصلاً سر اینکه همه انبیاء کشته می‌شدند بخاطر همین بوده بخاطر اینکه در نقطه درگیری می‌ایستادند. وگرنه چه کسی می‌رود یک معلم اخلاق را می‌کشد؟ خب برای چه باید بیاید یک معلم اخلاق را بکشد؟

شما الان در این کشورهای زبان نجسی بروید می‌بینید انقدر کتابهای عرفانی زیادی دارند. مثلاً بر اساس همین معالم و تربیت های مولوی و اینها مثلاً rumi wisdom یک ترندی است برای خودش یعنی حکمت های رومی خیلی می‌فروشد می‌خرند خیلی لذت می‌برند. خب کسی مولوی را نمی‌کشد که مطهری را می‌کشند نه مولوی را. من نمی‌گویم مولوی بد است کاری به این بحث ندارم. کسی معلم اخلاق نمی‌کشد که. یک کسی که چرا ائمه را می‌کشند؟ بعضی می‌گویند ائمه نشسته بودند مثلاً امام سجاد داشته دعا می‌خوانده است. اگر اینطوری میکرد که نمیکشند امام سجاد را برای چه؟ خب به معاویه گفتند فلانی این کارها را میکند این کار را میکند اینطوری می‌کند آنجا پاتوق راه انداخته گفت به حکومت هم کاری دارد؟ گفتند نه گفت خب بگذار بکند وقتی با حکومت کاری ندارد خب بگذار بکند خب این کار را. دقیقاً نقطه أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلَاةَ نقطه است. میگوید فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ اگر ایمان داری ایمان باید تا این لبه بیاید. نمیشود شما باور به یک چیزهایی نداشته باشی آن خودش را نیارد تا حقوق و فقه و شریعت نشان دهد. برای همین است که هشتک سوم، من اینها هر کدام سی شب منبر است من اگر بخوادم اینها را به شما می‌آیاتش را نشان بدهم که ببینید با این پدیده إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ، اینها را نوعاً میگذارد روی بحث شریعت فرود می‌آید. چرا؟ چون که اصلی درگیری رساندن به فقه و شریعت است رساندن به فقه و شریعت. همین کاری که شیطان حالا در هشتک سوم میگوید همین کاری که شیطان به شدت پایش ایستاده که بگوید نقطه شریعت که مهم نیست. و ما هم فریب همین منطق رو می‌خوریم می‌گوید آقا معارف مهم است این مهم است آن مهم است شریعت حالا شریعت آگه حالا یک چیزی عمل بکند نه اتفاقاً حالا به شما نشان می‌دهم انشاءالله یک صلوات بفرستید.

چرا اینطوری شلاقی وارد شده یک بحث شریعت را مطرح کرده که امروزه می‌بینید که در دنیای غرب این بحث اصلاً دیگر حل شده است. اصلاً من صحبت کردم با آن زبان نجسی ها. اینها اصلاً این مطلب یعنی چه؟ چون که تجاوز به عنف که نیست، این تجاوز به عنف نیست یعنی تجاوز فرس نیست در حقیقت با زور نیست. یک کار رضایت طرفینی در آن وجود دارد در این کار. چون آن قطعی که ما اسمش را گذاشتیم الله آن میدانید اسمش را چه گذاشته؟ آزادی و اومانیسیم این بسیار حرف مهمی است. چون قطبش است قرآن هم همین را میگوید أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ يَعْنِي اومانيسيم. آن قطبش را گذاشته اینطوری ما قطبمان را گذاشتیم اینطوری. لذا آن از توش آزادی در میاد برای ما از توش تکلیف در می‌آید. آزادی هم در می‌آید به یک وزان و معنای دیگری آزادی در می‌آید از آن. آن چون این را گذاشته اصلاً آیه الرَّائِيَةِ وَالرَّائِيَةِ میگوید آقا به عنف است؟ میگوید نه. خب برای چه است؟ خب این برای چه است اصلاً این؟ متدینش نمی‌فهمد این برای چه است من به شما بگویم متدینش نه غیر متدینش، متدینش هم اینجا ارور میدهد که یعنی چه اصلاً دقیقاً؟ این همان چیزی است که به شدت مهم است به شدت شدت و حدت زیاد، این هشتک را میگذارم به مقداری این را جلوتر میروم از بحث در بحث. ولی اینها همش یک چیزهایی است که باید بازش بکنید در قرآن. که می‌آورد تا لبه های شریعت می‌گذارد چون شریعت همان نقطه ی درگیری ماست با تمدن غرب. آن میگوید حق ندارد بگوید ریا فلان بیسار. حق ندارد بگوید سقط فلان. حق ندارد بگوید سیاست خارجی چطور باید باشد چطور نباید باشد. ما می‌گوییم حق دارد نه تنها حق دارد اصلاً او حق دارد این را بگوید. لذا این می‌شود نقطه درگیری لذا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ\* إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ. اینها را هم میگذارد در لبه شریعت. اینجا اینجا است که هشتک سوم را می‌گذاریم. به مناسبت همین الرَّائِيَةِ وَالرَّائِيَةِ.

مدل ورود شیطان به کارهای ما اساساً بر اساس فکر و نظر نیست. بر اساس سبک زندگی و فقه و حقوق است. این همان چیزی است که شیطان شلش می‌کند برای ما. بیاید سوره مبارکه بقره ۱۶۸\_۱۶۹ را ببینید صفحه ۲۸ دارد که يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ كُفُّواْ عَنِّيْ فِي الْاَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا حلال طيب بخوريد. بخوريد هم یعنی مصرف کنید. هم حلال هم طيب. حالا بحثش مفصل است این کفو به معنای تصرف کردن است نه به معنای خوردن. شبیهش هم ما در فارسی داریم دیگر میگوییم مال مردم خور، مال مردم خور نه اینکه مال مردم را می‌خورد ممکنه یک فرشی را عصب کند نمی‌خورد که. بین اکل به معنای مطلق تصرفات اینهاست وَلَا تَأْكُلُواْ اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ فلان اینها معنی این می‌شود. وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ از گامهای شیطان پیروی نکنید. پس معلوم است شیطان حرکت گام به گام دارد با ما یهویی همه را (۹/۴۶) نمی‌اندازد بلند کند. این کار را نمی‌کند. چون نمی‌شود اساساً با یک نفری نمیشود همه مزخرفات را در کله این کرد خب آرام آرام گام به گام باید بیایید إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ آن هم یک دشمن آشکار است.



خب حالا چکار بکنم إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوِّءِ بَاغْتَا كُفْرًا وَآلْفَحْشَاءٍ وَفَحْشَا يَعْنِي گناه بزرگ. یعنی از کوچک شروع می‌کند اینها حالا با یک خلف وعده ای و با نمیدانم اینجا ریشت را تراشیدی طوری نیست و اینجا ببینید بحث ریش تراشیدن من چیزی ندارم راجع بهش مثلا بگم حالا گناه است. نه گاهی اوقات تعدی یک خرده گیر دارد یک خرده که نه اصلا می‌گویند لَا تَنْظُرُوا إِلَى صَغِيرِ الذَّنْبِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَن اجْتَرَأْتُمْ اینطوری است. گاهی اوقات می‌گوید من می‌خواهم ریشم را بتراشم خب می‌گوید برو بابا چه کسی گفته اصلا گفتن هم که گفتن. یک موقع اینطوری برخورد می‌کند طرف اینجا اونجاست به قول طرف وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. گام سومش چه است گام سومش این است که یک چیزی به خدا ببندی که خدا ن گفته است. یعنی چه؟ یعنی تئوری بدهی و بگویی این تئوری، تئوری مورد پذیرش خداست. تئوری سازی می‌کنی بعد از آن. آقا شیطان فکر را با فکر جواب نمی‌دهد. یعنی حمله فکری به شما نمی‌کند این را بدانید. شیطان در درجه اول با سبک زندگی شما کار دارد. چونکه فکر با فکر به شدت فکر مقاومت می‌کند در برابر فکر یعنی بهو بیاید به شما بگوید که خلاصه معصومین فلانند، می‌گویی بابا برو گمشو ما خودمان. اینطوری نیست با سبک زندگی سبک زندگی هم این چیزی است که ما به آن می‌گوییم فقه به آن می‌گوییم حقوق به آن می‌گوییم شریعت به آن می‌گوییم حدود الله حالا به شما آیه را نشان می‌دهم که ببینید شیاطین هم همینطوری عمل می‌کنند. به اینها می‌گویند همین چیزی که نحوه خوردن نحوه آشامیدن نحوه صلح نحوه رحم نحوه نحوه همین. شما کافی است یک مقداری رستوران ایتالیایی بروید خب؟ سبک زندگی ش در آن اشراب شده است. این سبک زندگی را می‌گیرید رفته رفته. حالا تازه این بحث حلال هاش است. اگر می‌بینید آمریکا هر کجا میرود اول مک دونالد می‌رود بخاطر همین است. چونکه تغییری است در سبک زندگی چه بخوریم. چطوری بخوریم، چه بپوشیم، چطوری بپوشیم، چطوری صلح رحم بریم، کدام مهمانی ها بریم کدام مهمانی ها نبریم، کدام موسیقی را گوش بدهیم، کدام موسیقی را گوش ندهیم (۱۶/۶۹؟) مثلا اینطوری باشه یا اونطوری باشه و هزار تا از همین بحث ها. خب؟ تا یک سبک زندگی که می‌گوییم ما حسینه هستیم ما مسجد می‌رویم پیاده روی اربعین می‌رویم اینطوری می‌کنیم میشینیم جلسه قرآن داریم با همدیگر. این هم یک سبک زندگی است دیگر غذا می‌خواهیم بخوریم غذای طیب و طاهر می‌خوریم با خانواده می‌خوریم کنار همدیگر می‌خوریم بسم الله می‌گوییم نمی‌دونم اینها میشه مجموعا یک سبک زندگی. اگر شیطان بتواند در سبک زندگی در همان چیزهایی که به نظرتان می‌آید که چیز مهمی هم ممکنه نباشد، بگوید آقا مثلا من حجاب اینطوری را می‌کنم اونطوری بعد یک مقدار هم پر موهام جلو باشه حالا این هم که اشکال ندارد اینها. بتواند در این سبک زندگی ها ورود کند، خب؟ چنان گارد شما را باز می‌کند که هر مزخرفی را به عنوان بحث علمی نه اینکه او به شما حالی می‌کند شما خودت می‌گی دیگر، یعنی فقط می‌کنند بلندگو یعنی آن می‌گوید از بلندگوی شما پخش می‌شود. که این بر ساخت اجتماعی است. این مزخرفاتی در علوم اجتماعی می‌گویند نمیدانم کتابهاشون را خواندید یا نه. مثلا فلان چیز رابطه محرم و نامحرم فلان و اینا زن و مرد این بر ساخت اجتماعی است. میدانید بر ساخت اجتماعی یعنی چه است تهش؟ یعنی اینکه شما اینطوری فکر میکنید ما اینطوری فکر میکنیم، تمام. به او می‌گوییم آقا مثلا قرآن گفته است دختره دختر شعیب می‌خواست برود پیش موسی تَمَسِّي عَلَى آسْتِحْيَاءٍ، از رو نهایت حیا رفت. رفت حرف زد ولی با نهایت حیا. می‌گویند این یک بر ساخت اجتماعی است الان اینطوری نیست. خب میشود یک سبک زندگی.

شما می‌بینید طرف دارد با یک دختره حرف می‌زند حتی بچه متدین، همینطوری (۱۶/۷۱؟) زده تو چشماش. خوب است دیگر خودت چشمهات را فرو هشته کن بنده از پایین بیار بالا اینطوری صحبت کن افلا. دیگر آقا هم نگاه نمی‌کند، مثلا دیدن آقا یک نگاههای بریده بریده. مثلا آقا با آن سنشان. این خودش می‌شود یک سبک زندگی. خب؟ شیطان مسیر ورودش از همین سبک زندگی هاست از کار فکری نیست. بعدا شما می‌نشیند در همین کتاب‌های علوم اجتماعی می‌نشینید از اینطرف آنطرف تئوری اش را در می‌آوری. این که امیرالمومنین می‌فرماید قَبَاصَ وَ قَرَحَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَتَنْظَرُ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ یک تخمگذاری می‌کند اول در دامن شما. یعنی کار دست می‌دهد. یک فعلی را انجام می‌دهی، مثلا میشینی سر یک میزی که مشروب سرو می‌کنند، یک مهمانی عروسی می‌روی که مشروب سرو می‌کنند. بعد می‌گویی من که نمی‌خورم اینجا میشینی. طرف متدین آمده سوال می‌کند که مثلا مهمانی فلانی مشروب سرو می‌کنند ما میتوانیم برویم معلوم است که نه این چه سوالی است معلوم است که نه. حالا بگذریم از سوالهای عجیب و غریبی که بعضی ها سوال می‌کنند. طرف پسره اومد سوال کرده با سه تا بچه، گفته ما غسل غیر غسل جمعه هم داریم؟ می‌گوییم فزانت چیه دقیقا؟ یعنی یک غسلی غیر از غسل جمعه داریم؟ یعنی فهمش و دریافتش از احکام الله در همین حد است. خب میاد تو همین چیزا ورود می‌کند وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَتَنْظَرُ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ. آن موقع شیطان حرف می‌زند با دهان این. ولی دیگر تریبون دست شیطان است، شیطان حرف می‌زند این حرف نمی‌زند.

بعد این فکر می‌کند این تئوری به ذهن خودش رسیده است. اصلا ذهن خودش رسیده است، این دقیقا یک بلندگویی که دارد هر حرفی شیطان می‌زند این دارد تکرار می‌کند. اسمش هم میشود چیزهای علمی. واقعا هم خیلباش مثلا شما باورتون نمی‌شود این کتابخانه همجنس بازا را حتما نفرتید ببینید کتاب فروشی شان را. خب؟ مثلا فرض کنید یک کتاب فروشی است یک خرده از اینجا کوچیک تر تا سقف بحث مقاله علمی است. یک دانه عکس چیز هم ندارد نه عکس جنسی هم ندارد. مقاله است بحث علمی است. آدم باورش نمی‌شود ولی واقعیت داره بحث علمی دارند میکنند راجع به این بحث. خب چه کسی دارد این بحث را می‌کند؟ خب شیطان دیگر.

برای همین است که قرآن می آید یک کاری می کند. اگر می بینید بحث های شریعت رو هم می آورد تو قرآن، خوب؟ یعنی میاورد تا لبه های شریعت می رود در قرآن سنگ چینی می کند و خلاصه فونداسیون می گذارد آنجا و ارتباط های عجیب غریبی که از بحث ارث و می گوید بحث قصاص را میگوید، بحث های مختلف از آن نقاط ثابت می رود در قرآن. اسمش راهم می گذارد چه؟ می گذارد حدود الله. این تعبیر شریعت تعبیر ماست. تعبیر قرآنی که کاش کلا این تعابیر به ویرایشی می خورد به تعبیر قرآنی آن هم سرایت می کرد اسمش را میگذارد حدود الله. اسم این تعبیر رو می گذارد حدود الله. ببینید اولاً تعبیر خیلی عجیب است حدود الله یعنی چه؟ یعنی حد خدا، مگر خدا حد دارد محدوده دارد؟ می گوید اگر پاتو از این جا گذاشتی حد من زدی بیرون من زدی بیرون. میوشد حدود الله همه این بحث هم پیاده می کند رو شریعت. اینها رو داشته باشید باید آیتش با همدیگر نگاه می کنیم و می گوید جریان مقابل ما با بحث محاده با شماها کار دارد. یعنی چه یعنی شیطان های این عالم شروع می کنند حدود رو جابجا می کنند. می گوید حدود که این نیست. یعنی از این جا شروع می شود می خواهم به شما بگویم نقش شریعت و شریعتمداری و حفظ شریعت و تبیین و تبلیغ شریعت، الان به عده افتادن از حتی هم لباسهای ما اخلاق مهم است معارف مهم است، من نمی گویم آنها مهم نیست ولی حدود الله آن نقطه اثر جدی ای است که شیاطین میگذارند و بعدش می روند در اخلاق و می روند در سبک زندگی را کافی است عوض بکنند. سبک زندگی آقا با والدینت چطور می خورد کن دین می گوید اینطوری برخورد کن من می گویم با والدینم اینطوری برخورد می کنم طبیعتاً اخلاقت عوض می شود طبیعتاً معارف عوض می شود. یعنی حتی شما نمی دانی جایگاه ها گم می شود جایگاه والدین گم می شود برایت. چرا؟ چونکه راحت داد می زدی سر والدین چرا؟ چونکه می گویی این طوری است الان در سبک زندگی طرف خیلی فحش می دهد فحشای چارواداری. خوب این یک سبک زندگی است دیگر فحش چارواداری دادن اینقدر زیاد این یک سبک زندگی است. همه این مجموعه اسمش حدود الله است. خوب شما نگاه بکنید مثلاً به عنوان مثال سوره مبارکه طلاق را بیاورید. سوره مبارکه مجادله را هم بیاورید. صفحه ۵۴۲، صفحه ۵۴۲ بیارید و صفحه ۵۵۸ را شما نگاه کنید. بسم الله الرحمن الرحیم صفحه ۵۵۸ را نگاه کنید *يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّ جَاءِيكَ مِنَ اللَّهِ دَارَةٌ أَوْ بَدْوَةٌ فَأَنْزِلْ فِيهَا مِمَّا نَزَّلْنَا بِهَا عَلَى النَّبِيِّينَ مِنْ قَبْلِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ* این جایی که بسم الله داره یا اینها نبی می گوید معلوم است پای حاکمیت را دارد وسط می کشد. مطلب مطلب حاکمیتی است *إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَنْتُمْ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعَدْلِ* وقتی که طلاق دادید زنهارا، *فَطَلِّقُوهُنَّ* طلاق بدهید به مدت عده و *أَحْضُوا أَلْعِدَّةَ* این مدت عده را در حقیقت نگه دارید. *وَأَتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ* از خدا هم بترسید. بعد یک حکمی می گوید که این حکم را نه ما شنیدیم نه قبول داریم نه اجرا می شود *لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ عَنْهَا بِيُوتِهِنَّ* که طلاق گرفتند از خانه حق دارند بروند بیرون آن زنهارا نه کسی حق دارد آنها را از خونه بیندازد بیرون. باید به مدت همین مدت عده یک خانم نامحرمی در خانه وجود داشته باشد یعنی خانم نامحرم در خانه است نه او حق دارد برود بیرون نه این حق دارد او را بیندازد بیرون. این هم از آن بحث عجیب غریب قرآن است *إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ* مگر یک کار فحشا مبینی آن زن انجام بدهد *وَتَلَكَ حُدُودُ اللَّهِ* این حدود الهی است خوب؟ *وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ* کسی که به حدود الله تعدی و تجاوز بکند به خودش ظلم کرده است *لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا* چه میدانی شاید اینها با هم آشتی کردند در همین مدت عده. خوب جایی می گوید *تَلَكَ حُدُودُ اللَّهِ* فلا *تَقْرُبُوهَا* می گوید اصلاً نزدیک این حدود الله نشوید. یعنی با یک فاصله از این لبه پرتگاه راه برو اصلاً خودت را نزدیکی های این حدود الله نکن.

وقتی که این بحث حدود الله و این بحث را مطرح می کند یک بحث دیگر مطرح می شود این وسط و آن که در ۵۴۲ آیه ۲۲ را هم نگاه کنید. اول از آیه ۲۲. خود پدیده ی محاده که در آیات قبلی که گفتم نگاه بکنید پدیده ایست برای جریان نفاق برای غلبه، یعنی تصور نکنید این بی حجابی ها و کشف حجاب ها و فلان اینها یک پدیده ساده با یک تحلیل ساده ای است. عده ای دوست دارند موهاشون را بگذارند بیرون. اصلاً این نیستا. ممکن است توسط آن دختر دیرستانی این باشه ولی اساس این مسیر این نیست که حالا خواستید بعداً نشان می دهم. ببینید آیه ۱۹ را نگاه کنیم با همدیگر بعد میایم ۱۹، ۲۰ و وقتمان هم کم است *أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ* شیطان رویشان چیره شده ذکر خدا را یادشان رفته است، *أُولَئِكَ جَزَبُ الشَّيْطَانِ* اینها حزب است. بحث این نیست که یک نفر یک کاری می کند نه یک حرکت حزبی است *إِن جَزَبُ الشَّيْطَانِ إِلَّا إِنْ جَزَبُ الشَّيْطَانِ هُمْ أَلْحَسِرُونَ* حالا که این بحث این را می گوید *إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ \* كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ* می گوید کسانی که دارند محاده می کنند با خدا و رسول که معلوم است جریانی است که می خواهد غلبه خودش را از این مسیر در بیارود. می گوید اینها *فِي الْأَذَلِّينَ* هستند، *كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي* من پیروز می شوم. ولی ساده نیست یک نفر بگوید من حدود الهی را می خواهم رد شوم همینطوری. این نیست، بحث یک جریان شناسی حزب الشیطانی است که ایستاده است برای غلبه، منتها غلبه اش بحث فکری نیست غلبه اش از مسیر محاده رد می شود از مسیر حدود الله رد می شود از مسیر شریعت و سبک زندگی رد می شود از این جا رد می شود.

برای همین می گوید در آیه ۲۲ در آیه بعدی می گوید *لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* ببینید ایمان به خدا پیدا نمی کنید یک قومی را که قوم است، ببینید قوم، اشل قوم. *يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* *يُؤَادُونَ* *مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ* مواد بکند با اون کسانی که دارن محاده می کنند. محاده می کنند نه اینکه صرفاً از حدود رد می شوند دارد حدود گذاری می کنند، می فهمد دارد چکار می کند. خوب؟ دارد حدود را و حدود شرعی را داره عوض بدل می کند دیسپلین را دارد بهم می زند. حتی کسانی که در حقیقت مثل این وجترین و فلان اینها دیسپلین را بهم می زند، کار بدی دارند می کنند. ببینید یک موقع طرف وجترین است می گوید من سبزی خوارم سبزی دوست دارم میخوامم لاغر بشوم

هر چیزی زهر ماری خب می‌رود در حقیقت سبزی خوار می‌شود گوشت نمی‌خورد. یک موقع می‌بینی نه این را دارند از دیسپلینش خارج کردند می‌گویند که شما چطور این حیوان‌ها رو می‌کشید و یک ذی‌روح را بی‌روح می‌کنید برای اینکه خودتون فلان، ولم کنید دیگر. این شریعت است دیگر می‌گویند نه این کار درست نیست. اصلاً این یعنی خروج از دیسپلین. اگر کسی بتواند یک حلالی را حرام کند می‌تواند یک حرامی را هم حلال کند. خب یعنی نمی‌گویند من نمی‌خواهم گوشت بخورم بحثش این است که شما اصلاً چرا گوشت می‌خورید؟ اگر اینطوری بگویند یک حلال خدا را می‌تواند، یک حرام بکند یک حرام خدا را هم می‌تواند حلال بکند. خب از دیسپلین خارج شده است دیگر. یک کسانی دارند حدود گذاری می‌کنند در این بحث‌ها و حدود شرعی را دارند تغییر می‌دهند و از دیسپلین خدا دارند خارج می‌شوند.

نمی‌شود طرف مواده بکند رفاقت بکند با کسی که محاده می‌کند. با کسانی قوم که با این کسانی که دارند این کارها را می‌کنند همان جریان نفاق فلان حالا هر خری می‌خواهد باشد دیگر تعبیر قرآن است وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ أَلَيْسَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ إِنَّ فِي رُوحٍ مِنْ رَبِّهِمْ لَبَيِّنَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَبَدَّخْلَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ إِنَّ فِي رُوحٍ مِنْ رَبِّهِمْ لَبَيِّنَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

بینید همان مسئله شریعت که به زعم من و شما خیلی مسئله مهمی نیست و شیاطین دارند این را در کله من و شما فرو می‌کنند که شریعت مهم نیست برو دلت نمی‌دونم پاک باشد معارف را نمی‌دانم فلان بکن از این حرفها، همین شریعت رمز بقاست و گارد بسته ای است که شما در جریان شیطان می‌توانید بگیرید. یعنی شما اگر شریعت را رعایت نکنید همین سبک ذهن فلان فیلم رو نبین فلان موسیقی را گوش نده فلان این را بخور این را نخور فلان همین‌هایی که گفتند، همین سبک زندگی که می‌گویند همین یک حزب گاردت کاملاً بسته می‌شود و مواظب باشید اگر شریعت را ول بکنید کاملاً گاردت باز می‌شود. دیگر هر کاری شیطان می‌تواند با شما بکند و شیاطین عالم هم می‌توانند این کار را با شما بکنند که محاده کنند آن موقع و حدود گذاری بکنند. این خلاصه بحث بسیار پدافند است که اگر این عبارت ان‌کنتم مومنین و ان‌کنتم تومنون و اینها را ببینید، می‌بینید می‌خورد به همین لبه‌ها. و اگر در این جا هم دارد الرزانیة و الرزانی فاجلدوا كل و جد متهما مائة جلدة ولا تأخذكم بهما رافة في دين الله ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر ميگویند رافت اینجا نده وارد فضای رافت نشو حکم را شل نکن این کار را نکن اگر ایمان داری، یعنی دارد گره می‌زند به همان بحث‌های ایمانی و شریعت ما و نقطه درگیری ما با دقیقاً تمدن غرب در همین ناحیه شریعت نه در ناحیه معارف. میکشد به ناحیه معارف. نمی‌دانم توانستم بحث شریعت را یک خرده جدی بکنم. آن آیات وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ \* ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و امواتهم بان لهم الجنة فيقتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التوراة والانجيل والفران ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم خب مومنینش را آیه بعدش تعریف کرده است دیگر. چون آن طرف صفحه است معمولاً نمی‌خوانیم این آیه ۱۱۱ پایین صفحه است آیه ۱۱۲ بالای آن طرف صفحه است التائبون العابدون الحامدون السائحون الرکعون.. تا وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ. جریان ایمان اتفاقاً می‌ایستد روی بحث حفظ حدود الله یعنی حدود الله برایش کاملاً مهم است و جریان ایمانی می‌ایستد روی این. وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ \* ان الله اشترى من المؤمنين تهش این است. مومنین این‌هایی هستند که والحافظون لحدود الله.